

هسته‌های سخت دانش‌آموزی

میلاد نوروزی

سال‌هاست که دلسوزان و منتقدان نظام آموزشی از کاستی نشاط در مدارس گلایه می‌کنند و دست‌اندرکاران امور از اراده خود برای جذابیت بخشیدن به محیط آموزش سخن می‌گویند. این دغدغه‌مندی دوسویه حتی اگر با چشم‌اندازهای متفاوت نیز باشد حامل يك مساله مشترك است. مساله این است که محیط آموزش برای فرزندان ایران زمین دلچسب و دلنشین نیست. هر گاه با معلمان در این خصوص گفت‌وگو کنیم تعابیری همچون بی‌انگیزگی دانش‌آموزان، افت تحصیلی، عدم برقراری ارتباط دانش‌آموزان با محتوای کتاب درسی، فاصله ذهنی و فرهنگی بین خانه و مدرسه، ایدئولوژی‌زدگی محتوای کتاب درسی و برنامه‌های نظام آموزشی، همه و همه حامل این پیامند که دیر زمانی است که مدارس ما از زرمه محبت تهی شده‌اند و بیش از آنکه شوقی برای اطفال گریزپای این سرزمین برانگیزند و بشارت دهند او را از این محیط گریزانده‌اند. شاید برخی بگویند افول مرجعیت مدرسه به واسطه ظهور مراجع دیگر یادگیری و آموزش و متاثر از هزاران تغییر و تحول خرد و درشت دیگر در قرن معاصر امری جهانی است و اندک ارتباطی با برنامه‌های نظام آموزشی و آنچه در مدارس می‌گذرد، ندارد و وضعیتی تقریباً مبتلابه همه جوامع امروز است. بی‌هیچ تردیدی آشکار است که این استدلال بر پایه‌ای سست بنا شده است. اول اینکه آموزش به شکل عام و نظام مدرسه به شکل خاص در اغلب جوامع يك نهاد حاکمیتی است؛ به این معنا که نظام سیاسی موظف است با صرف هزینه از منابع عمومی ترتیبی اتخاذ کند که آحاد مردم کشور از حق آموزش عمومی و مواهب آن بهره‌مند شوند.

در واقع نظام‌های سیاسی با تامین این حق عمومی شهروندان می‌کوشند تا به واسطه نظام آموزشی، آرمان‌های نظام سیاسی را در نسل جدید درونی کنند و با تربیت شهروندانی مسوول در برابر میهن و نظام سیاسی آینده مملکت و میهن را بیمه کنند. این حدود و نسبت مشترك بیشتر نظام‌های سیاسی و نظام‌های آموزشی ذیل حکومت‌های منتسب به آنهاست. در ثانی ظهور رقباتی جدید در برابر نهاد مدرسه در هیچ کشوری موجب نشده است که دولت‌های مستقر از سهم بودجه نظام آموزشی به این بهانه بکاهند؛ بلکه همواره تلاش کرده‌اند با کمک به این

نهاد مرجعیت آن را نسبت به سایر رقبا حفظ کنند. به عبارتی به جای اینکه تحقیر و خردش کنند و ناکارآمدی‌اش را به عوامل شاغل و دست‌اندرکارش تقلیل دهند در جهت حمایت و تقویت این نهاد کوشیده‌اند.

حال اگر به برخی سخنانی که از تریبون‌های عمومی از زبان افراد شناخته شده پیرامون نظام مدرسه در طول سال‌ها و ماه‌های اخیر گفته شده توجه کنیم، درمی‌یابیم که ما در طول این سال‌ها نه یک چماق که هزاران هزار چماق بر سر نحیف مدرسه کوفته‌ایم و هر بار به طریقی آن را تخفیف داده و فرو کاسته‌ایم و تقصیر اغلب مشکلات و مسائل جامعه را بر گردنش شکسته‌ایم و هر بار تلاش کرده‌ایم تا جامعه‌ای ناموزون بر قامت تکیده این نهاد بدوزیم؛ غافل از اینکه بر شاخ نشسته و بن بریده‌ایم. مروری کوتاه بر مواعظ و اقدامات صورت گرفته در طول این سال‌ها خود به اندازه کافی برای دلالت بر این موضوع کفایت می‌کند.

یکی از آخرین این اقدامات برنامه‌ای است که وزارت آموزش و پرورش تحت عنوان «طرح بزرگ تربیت دانش‌آموزان توانمند سیاسی و اجرایی هسته‌های سخت» در دست اقدام دارد. دست‌اندرکاران و طراحان و مجریان این برنامه تا به حالا هیچ جزییاتی از برنامه‌های ذیل این طرح ارائه نداده‌اند و تنها به نقل جملاتی با مضمون پیاده‌سازی مدل جدید راهبردی امور تربیتی در مدرسه اکتفا کرده‌اند. بر هر اهل اندیشه‌ای روشن است که هدف و پیام این دست برنامه‌ها چیست و از کجا سرچشمه می‌گیرد؟! اما یک سخن با مجریان درون سازمانی این طرح؛ اخیراً یکی از منبریان شناخته شده که اتفاقاً در ارتباط با تعدادی از مدارس برند در سطح شهر تهران و قم است در یک برنامه زنده تلویزیونی با اطلاق برجسب جاسوسی بر پیشانی نظام مدرسه بر ضرورت محاکمه آموزش و پرورش و لزوم تلاش آموزش و پرورش برای برائت از این اتهام صحبت کرده است. می‌آید آبخور چنین طرح‌هایی اینچنین تفکراتی باشد که وای بر ما و وای بر شما.

دانش‌آموخته جامعه‌شناسی و عضو سازمان معلمان ایران

منبع: روزنامه اعتماد 8 اردیبهشت 1403 خورشید